

سرگذشت تاریخی چهار جزیره در خلیج فارس

جزیره های : باسعیدوی قشم ، بوموسی ، تمب بزرگ (تمب سمپ) ، تمب کوچک (تمب مار)

- ۵ -

نخست وزیر ایران در مجلس شورای ملی ایران در سال ۱۳۵۰ در نطقی که بمناسبت اقدام دولت شاهنشاهی در بازگرداندن جزائر سه گانه ایراد کرد صریحاً اعلام داشت که واگذاری حقوقی به شیخ نشین شارجه در جزیره بوموسی دلیل بر عدول ایران از مالکیت خود بر جزیره بوموسی نمیشد و ایران کماکان خود را مالک تمامی جزیره و آبهای آن میداند . جزیره بوموسی بدون برخورد نظامی نیروی دریائی ایران را پذیرا شد ولی بعقل و جهاتی که در مورد جزائر تمب گفته شد درد نیای عرب بابدینی و دشمنی و تبلیغات و تحریکات علیه ایران مواجه گردید . اما این تب تند نیز فرو افتاد و اکنون جزیره بوموسی در اختیار نیروی دریائی دولت شاهنشاهی ایران است .

برای آنکه اهمیت سیاسی و نظامی جزیره های مورد بحث این مقاله و همچنین اهمیت سیاسی و نظامی منطقه خلیج فارس و تنگه هرمز و اقدامات و تحریکات و روابط و مناسبات و توجهات دول منطقه و دوستان و دشمنان ایران را بازشناسیم و مسائلی از قبیل ظهور و رقابت سیاستهای امریکا و شوروی ، « بقاء مداخله سیاسی بریتانیا » ، « اختلافات شیوخ و حکام و روساء کشورهای ساحلی » ، « برخورد منافع نفتی دول بزرگ » ، « کودتاها و ضد کودتاها » ، « تفسیر های سیاسی حوادث منطقه » بعد از دوران انتقال و خروج نیروی انگلیس از شرق سوئز و خلیج فارس و پس از بازگشت جزیره های ایرانی به قلمرو سیاسی و نظامی ایران را با روشنی و بطور مستند مطالعه کنیم وقایع دوماهه بهمن و اسفند ۱۳۵۰ (۲۵۳۰) را که از یازدهم بهمن ماه ۱۳۵۰ برابر با یکم فوریه ۱۹۷۲ آغاز میشود تا سی ام اسفند ماه ۱۳۵۰ برابر با بیستم مارس ۱۹۷۲ یعنی درست روزهای پرتب و تاب بعد از بازگشت سه جزیره ایرانی تنگه هرموز را به نقل از روزنامه های خبری تهران بررسی مینمایم :

قابوس در راه تجدید وحدت عمان :

روزنامه اطلاعات در شماره ۱۳۷۱۲ مورخ ۱۱ بهمن ماه ۱۳۵۰ در حالیکه درستون تفسیر سیاسی خود تحت عنوان استعمار کودتا میکند نوشته است : « خبر کودتای خونین در شارجه را همه خواننده ایم و هنوز علاقه مندان به اخبار خارجی خصوصاً کسانی که بتحولیات منطقه و خلیج فارس توجه دارند در انتظار خبرهای تازه تر از نتایج تحریکاتی هستند که در این منطقه صورت گرفته است . یکرور شایع میشود که قدرتهای بزرگ در خلیج فارس به ساختن

پایگاههای نظامی اشتغال دارند و روز دیگر از مسافرتهاى مرموز خبر میرسد و سرانجام نیز خبیریک کودتای نافرجام و قتل امیریک شیخ نشین بگوش جهانیان میرسد. هدف چیست؟ این پرسشی است که کنجگاوان سیاسی در برابر این قبیل حوادث از خود میکنند، واقعاً هدف چیست؟ استعمارچه میخواهد بگوید؟ آیا میخواهد قدرت نفوذ مادی و معنوی خود را بر خ مخالفان در این منطقه بکشد یا قصد دارد نتایج قرنهای بهره کشی از تمام منابع و مزایای اقتصادی را که اکنون بصورت چهل و نادانی و آلت تحریکات بیگانگان شدن تجلی میکند بفرزندان خلیج و ساحل نشینان آن نشان دهد؟

در ستون دیگری از همین صفحه در همین روزنامه مسئله اقدام سلطان قابوس پادشاه عمان در تصرف سه منطقه کوچک، اما استراتژیکی در شمال شرقی شبه جزیره مسندم بنام کلبا، دبا و خورفکان را پیش کشیده و پس از توضیحات مقدماتی از سابقه امر مینویسد:

«از این ماجراهای دروغ و راست گذشته، انگیزه سلطان قابوس در پس گرفتن اراضی مورد اختلاف و متعلق به سرزمین عمان و خلق مجدد عمان بزرگ نیازمند تشریح و توجیه نیست.

سلطان قابوس که در مرداد ماه سال ۴۹ بایک کودتای آرام به عمر حکومت ظالمانه و قرون وسطائی پدرش سلطان سعید بن تیمور پایان داد، از نخستین روز بر عهده گرفتن زمام امور تجدید وحدت عمان را وجهه همت خود قرار داد، تصمیم به اجرای یک سلسله رفرورهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و کنار آمدن با مخالفان حکومت پدر، از نخستین هدفها بود. قابوس در اوایل کار برای تحقق هدف وحدت عمان حتی کلمه مسقط را از جلوی نام کشوری که تا آن زمان به سلطان نشین مسقط و عمان معروف بود حذف کرد. نمیتوان انکار کرد که سلطان جوان هدف تجدید وحدت بزرگ را بدون اطلاع و مشورت لندن صورت نداده است. زیرا ارتش عمان را هنوز افسران انگلیسی رهبری میکنند و بخصوص آنکه بعد از تصرف دو منطقه پناو و الروضه هیچگونه صدای مخالفی نه از لندن و نه از هیچ یک از پایتختهای اطراف که همواره در راه منابع امارات سینهها چاک میدهند بلند نشد. آنچه میتوان احساس کرد این است که هم لندن و هم همسایگان عمان تجدید وحدت عمان و ظهور مجدد عمان قوی را بفتح هدفهای تأمین ثبات و امنیت خلیج فارس میدانند. بعضی از مناطق مورد اختلاف آنقدر از سرزمینهای اماراتی که بر آنها ادعا دارند دور افتاده که کنترل آنها بسختی میسر است... و اکنون امارات عربی متحده بر اقدام سلطان عمان در تصرف مناطق مورد اختلاف چه خواهد بود بدرستی معلوم نیست. اقدام عمان در تصرف مناطق مورد اختلاف در چنین شرایطی بهر حال اتحادیه امارات را در مقابل مسئله مهم دیگری قرار داده است. کودتای نافرجام شارجه و سر نوشت محاکمه عوامل کودتا و تصرف مناطق مورد ادعای شارجه همه از مسائلی بشمار میروند که اتحادیه برای نخستین بار تجربه آنها را احساس میکند. هر دو مسئله برای فدراسیون تازه و غیر قابل پیش بینی بود.»

افزایش فعالیت امریکا و شوروی در منطقه خلیج فارس:

روزنامه کیهان در شماره ۱۲ بهمن ماه ۱۳۵۰ برابر با اول فوریه ۱۹۷۲ در ستون

مسائل سیاسی روز پس از آنکه تحت عنوان «بحران در امارات خلیج فارس» نوشته بود: «وضع اتحادیه امارات عربی خلیج فارس پس از کودتای نافرجام شارجه به حال عادی برمی گردد و بر طبق گزارشهایی که بهران رسیده است حکمران جدید شارجه بر اوضاع مسلط شده است و خطر آتی که از جانب دسته‌ها و عوامل افراطی این اتحادیه و امارات عضو آن را تهدید کرده است پس از شکست عوامل کودتا که اکنون در زندان بسر میبرند کاهش یافته است. حکمران جدید شارجه در نخستین روزهای زمامداری با دریافت تلگرامهای تبریک از حمایت و پشتیبانی ایران برخوردار شده است و ظاهراً پیامهایی نیز به تهران فرستاده است. دیروز از طرف مطبوعات کویت حزب سوسیالیست عرب که اعضای آن در قیام و شورش جبل الاخضر در سلطنت عمان شرکت داشتند و همچنین حزب وحدت که اخیراً در خلیج فارس تشکیل شده است متهم به شرکت در توطئه کودتای شارجه شدند و ضمناً روزنامه السیاسیه کویت نوشت که سلطان قابوس سلطان عمان و نیز حاکم راس‌الخیمه در کودتای شارجه دست داشته‌اند ولی در این حال اداره دفاع سلطان نشین عمان اعلام کرد که این سلطان نشین به هیچ اقدام توسعه طلبانه از جمله اشغال قسمتی از خاک شارجه و یا شرکت در کودتای نافرجام این امیر نشین دست نزده است باین ترتیب سلطان نشین عمان در صدد عادی کردن روابط خود با امارات دیگر خلیج برآمده است.» تحت عنوان: «افزایش فعالیت‌های امریکا و شوروی در منطقه خلیج فارس» نوشت:

«ابراز نگرانی امریکا و شوروی از نفوذ یکدیگر در منطقه خاورمیانه و بخصوص حوزه خلیج فارس و تشدید فعالیت‌های سیاسی و تبلیغاتی این دو کشور در این منطقه توجه محافل سیاسی ایران را سخت بخود مشغول داشته است... مقامات امریکائی کوششهای شوروی را برای اعمال نفوذ بیشتر خود در اقیانوس هند و مدیترانه و بالاخره منطقه خلیج فارس، مورد توجه قرار داده و نفوذ شوروی را در این مناطق از نظر خود و منافع سیاسی و اقتصادی امریکا، نسبت به اختلافات هند و پاکستان و حتی جنگ اعراب و اسرائیل، حائز اهمیت بیشتری خوانده‌اند و رسماً اعلام داشته‌اند آنچه باعث حضور نظامی امریکا در مدیترانه، خلیج فارس و اقیانوس هند میگردد همین خطر ناشی از نفوذ شوروی در این منطقه است. شوروی نیز که از مدتها پیش حملات تبلیغاتی شدیدی را علیه امریکا آغاز کرده است پایگاه دریائی امریکا را در بحرین خطری بزرگ برای منطقه خاورمیانه تلقی کرده است در گفتاری که مسکو تحت عنوان «فعالیت امریکا و انگلیس در منطقه خلیج فارس» انتشار داد پس از اشاره باین موضوع که امریکا به مسابقه تسلیحاتی در جهان ادامه میدهد و سعی دارد فعالیت بلوکه‌های نظامی منجمله فعالیت بلوگ سننو را شدت دهد متذکر شد که امریکا و انگلیس در منطقه خلیج فارس پایگاههای نظامی موجود را تقویت میکنند و پایگاههای نظامی تازه‌ای احداث میکنند و تمام این اعمال برای استقلال و آزادی ملل منطقه خطر جدی بوجود می‌آورد و بامر صلح لطمه میزند.» و همین روزنامه در همین ستون زیر عنوان: «وحدت نظر تهران - مسکو» نوشت:

نکته جالب توجهی که ناظران امور در میان این جنگ تبلیغاتی بدان توجه دارند این است که مسکو در جریان سیاست تبلیغاتی خود علیه امریکا مخالفت ایران را با هر گونه نفوذ

خارجی در خلیج فارس مورد استناد قرارداد و یاد آور شده است که نظر ایران و شوروی درباره مسائل عمده بین المللی بهم نزدیک یابکی است ...» .

گفتگوهای مهم امریکا و شوروی درباره پایگاههای خلیج فارس :

روزنامه اطلاعات در شماره ۱۳۷۱۴ مورخ ۱۳ بهمن ماه ۱۳۵۰ نوشت :

«واشنگتن - يك كارمند عالیرتبه وزارت امور خارجه امریکا فاش کرد که ایالات متحده درباره امکان امضای قراردادی پیرامون محدود کردن حضور نظامی امریکا و شوروی در اقیانوس هند و خلیج فارس با دولت اتحاد جماهیر شوروی تماس گرفته و مذاکراتی در این زمینه بین دو کشور انجام شده است . الکسی جانسون معاون وزارت امور خارجه امریکا این مطلب را در پاسخ سؤالی که در کمیسیون امور خارجه مجلس سنا از وی بعمل آمد عنوان کرد . از معاون وزارت امور خارجه امریکا درخواست شده بود پیرامون قراردادهایی که درباره استفاده از پایگاههای دریائی و هوائی بحرین پس از خارج شدن نیروهای انگلیسی از منطقه خلیج فارس و جزائر «آزور» - پرتغال امضاء شده است توضیحاتی بدهد . سناتور فولبرایت از جانسون پرسید که آیا وزارت امور خارجه امریکا با اتحاد شوروی درباره محدود کردن متقابل حضور نظامی آنها در اقیانوس هند و خلیج فارس تماس گرفته است ، جانسون در پاسخ گفت ما تماسهایی در این باره با شوروی گرفته ایم وی اضافه کرد که ابتکار ما بتازگی صورت گرفته و تا کنون مذاکراتی هم بین دو طرف انجام شده است . معاون وزارت امور خارجه امریکا اضافه کرد که اجاره کردن يك پایگاه دریائی در بحرین در موازنه قوا در خلیج فارس تغییری نمیدهد و برخلاف آنچه که اعضای کمیسیون خارجی سنا تصور میکنند خطر استقرار احتمالی امریکا را در این منطقه بوجود نمیآورد معذک جانسون در پاسخ سناتور کلیفورد که درخواست کرده بود قراردادهای جدید باید برای تصویب به مجلس سنا تسلیم شود اعتراف کرد که خارج شدن انگلیسها از خلیج اوضاع این منطقه را تغییر داده است و اضافه کرد که بهیچوجه در نظر نداریم جای انگلیس را در خلیج فارس بگیریم . الکسی جانسون گفت اگر ما نیروهای دریائی خود را از خلیج فارس خارج میگردیم با توجه به خروج انگلیسها از این منطقه مسئله اینطور تعبیر میشود که ما علاقه ای به خلیج فارس نداریم . جانسون گفت معذک ما قصد نداریم علاوه بر سه کشتی جنگی که اکنون در پایگاه بحرین داریم کشتیهای بیشتری باین منطقه بفرستیم . ققط برای اداره پایگاههای افراد کمی را با نجا اعزام میداریم تا کاری را که سابقاً انگلیسها میکردند انجام دهیم . سناتور کیس در این جلسه گفت خروج انگلیسها از خلیج فارس اوضاع را بکلی تغییر داده است . سناتور کیس بدولت توصیه کرد که قراردادهای پایگاههای بحرین و آزور را برای تصویب به سنا بفرستند زیرا این قراردادها از مواردی هستند که احتیاج به دوسوم آراء سناتورها دارند . دولت امریکا قصد دارد بموجب اختیارات خود بدون اطلاع از پایگاههای بحرین و آزور استفاده کند .»

در همین روزنامه و در همین ستون بنقل از روزنامه کویمی السیاسیه ادعا شده است که سلطان قابوس عامل کودتای شارجه بوده است و روزنامه کیهان در بحث مسائل سیاسی خویش در همین روز نوشت :

«امریکا و شوروی در مورد عدم حضور نظامی در خلیج فارس و اقیانوس هند به توافق می‌رسند». و روزنامهٔ کیهان خبر روزنامهٔ اطلاعات را تحت عنوان «برای خودداری از استقرار نیرو در خلیج فارس و اقیانوس هند آمریکا شوروی را به عقد موافقت‌نامه‌ای دعوت کرد» در شماره ۸۵۶۷ مورخ ۱۳ بهمن ماه ۱۳۵۰ خود باموشکافی بیشتری بنقل از رویشرا و اشنگتن گزارش داد.

مناسبات سلطان نشین عمان با رأس‌الخیمه و مداخلات قابوس سلطان عمان در شارجه و رقابت آمریکا و شوروی در اقیانوس هند و رفت و آمدهای سیاسی چشمگیر در خلیج فارس :

روزنامهٔ اطلاعات در شماره ۱۳۷۱۶ مورخ ۱۶ بهمن ماه ۱۳۵۰ در ستون یادداشتهای سیاسی روز تقریباً تمام مطالب سیاسی خود را به بحث در چهار مسئله مربوط به خلیج فارس اختصاص داد و نوشت :

«گزارشهای جسته و گریخته‌ای که از منابع و مراکز مختلف خلیج فارس پیرامون عمان بدنای خارج سرایت میکند، از نقشی که عمان در سیاستهای منطقه‌ای بازی میکند بدرستی تصویر روشنی بدست نمیدهد. اما از آنچه یکی دویروز اخیر درباره عمان بمیان آمده از تماسهایی میان مسقط و رأس‌الخیمه حکایت دارد. حکمران رأس‌الخیمه شیخ صقر بن محمد القاسمی که به دست داشتن در کودتای نافرجام اخیر شارجه متهم گردیده است هفته گذشته ادعا کرد که مصمم است باسلطان نشین عمان اتحاد سیاسی برقرار کند. همزمان با ادعای امیر رأس‌الخیمه، یک روزنامه کویتی سلطان قابوس و شیخ صقر را متفقاً به دست داشتن در کودتای شارجه متهم کرد و آخرین خبر این است که یک هیئت رأس‌الخیمه‌ای بریاست برادر پاپسرموی امیر رأس‌الخیمه وارد مسقط گردیده و پیامی از جانب شیخ صقر تسلیم قابوس کرده است. توأم با این خبر فاش شد که هفته گذشته هیئتی از جانب سلطان مسقط به رأس‌الخیمه رفته و پیامی از جانب قابوس به شیخ صقر تسلیم کرده است.

قابوس اخیراً نیروهای عمان را در سراسر مرزهای این کشور بحال آماده‌باش درآورد و همین خبر موجب شد که گفته شود عمان در نظر دارد سه آبادی تحت کنترل شارجه در کنار دریای عمان را بتصرف درآورد. مقامات عمان ضمن رد این شایعات گفته‌اند نیروهای عمان در این منطقه به عملیات و تمرینهای نظامی معمولی دست زده‌اند.»

همین روزنامه در همین ستون شرح مسافرتهای چشم‌گیر را که خبر مسافرتهای قریب‌الوقوع امیر بحرین به یمن و مسافرت هیئت دیپلماتیک کرملین از پایتختهای جدید خلیج فارس و مسافرت هیئت اقتصادی انگلیس به سواحل جنوبی خلیج فارس و سفر سلیمان فرنجیه رئیس‌جمهور لبنان به بحرین و کویت و سفر شیخ زائد بن سلطان آل‌نهیان رئیس‌اتحادیه امارات عربی متحده به لیبی و سفر قابوس بن سعید سلطان عمان به عربستان سعودی که در ماه گذشته (دیماه ۱۳۵۰) انجام شد گزارش می‌کند و اضافه می‌نماید که سفر سلطان قابوس به عربستان سعودی بطور طبیعی جائی در صدر جدول رفت و آمدهای بین‌المنطقه‌ای خلیج فارس بخود اختصاص داده است. و در همین ستون مسئله دفاع مشترک از اقیانوس هند بوسیله قدرتهای

ساحلی برای تأمین ثبات این تنها شاهراه تجارتمی را پیش کشیده و عکس العمل شوروی درباره آنچه را که درسناي امریکا فاش شده در ابهام تفسیر کرده است .

آلمان باختری در يك امتیاز «بی - پی» در خلیج فارس سهیم شد :

روزنامه آیندگان در شماره یکشنبه ۱۷ بهمن ماه ۱۳۵۰ بنقل از فرانس پرس گزارش داد که يك شرکت آلمانی توافق با گروه نفتی بی - پی بر سر مشارکت ۲۰ درصد در یکی از انحصارهای نفتی در خلیج فارس بعمل آورده است. این منطقه امتیاز که روبروی ساحل ابوظهبی واقع است ظرف ده سال آینده ۱۰۰ میلیون تن نفت خام تولید خواهد کرد. میزان سرمایه گذاری شرکت آلمان باختری حدود يك میلیارد مارک تخمین زده شده است .

کودتای شارجه از عراق ریشه گرفته بود :

روزنامه آیندگان مورخ ۱۸ بهمن ماه ۱۳۵۰ بنقل از روزنامه «رای العام» کویت خبر داد که : «توطئه شیخ صقر بن سلطان القاسمی عامل کودتای ۲۴ ژانویه در امارت شارجه که بقتل امیر شارجه و بازداشت شیخ صقر بن سلطان انجامید توسط عراق ترتیب داده شده بود» در همین شماره روزنامه سیاست دولت کویت در خصوص خلیج فارس توسط راشد الرشید معاون وزارت امور خارجه کویت باخبری پخش شده است : «مهم شمردن نقش کویت در خلیج فارس، اصل ششم سیاست کویت را بنا به اظهارات معاون وزارت امور خارجه کویت اعلام مینماید.

قطر يك میلیون دلار به یمن شمالی داد و رأس الخیمه به فدراسیون شیخ - نشینها پیوست :

این دو خبر سیاسی از منطقه خلیج فارس در روزنامه ۲۳ بهمن ماه ۱۳۵۰ کیهان در بحث مسائل سیاسی روز بعنوان اخبار مهم منتشر شد. روزنامه کیهان نوشت : «الحاق امارت رأس الخیمه به اتحادیه امارات خلیج فارس رسماً اعلام شد. حکمرانان شش امیر نشین عضو این اتحادیه عصر روز پنجشنبه در جلسه ای که در ابوظهبی تشکیل دادند با درخواست رأس الخیمه برای پیوستن به اتحادیه موافقت کردند. حاکم رأس الخیمه قبلاً برای ورود به اتحادیه شرایط غیر قابل قبولی پیش کشیده بود و تهدید کرده بود که اگر شرایطش پذیرفته نشود اقدام به تشکیل اتحادیه ای با عمان خواهد کرد. این تهدید که به تحریک عراق ولیبی صورت میگرفت عمان نیز به شکلی غیر رسمی حالتی ناموافق در برابر فدراسیون در پیش گرفته بود اما اکنون علاوه بر رأس الخیمه عمان نیز خود را برای الحاق به اتحادیه آماده می کند. رأس الخیمه اکنون با عضویت در اتحادیه دارای سیاسی خواهد شد که از طرف اتحادیه امارات اعمال می شود و گفته میشود بدین ترتیب در آینده مانع از فعالیتهای عراق ولیبی در سرزمین خود خواهد شد. ضمناً با الحاق رأس الخیمه اتحادیه امارات که دارای هفت عضو شده است از قدرت و نیروی بیشتری برخوردار خواهد بود . موضوعی که اکنون مورد توجه قرار دارد و فعالیتهایی برای تحقق آن صورت میگيرد شناسائی اتحادیه از طرف عربستان سعودی است ، ظاهراً با سفر وزیر خارجه عربستان به منطقه خلیج فارس این فعالیت تشدید شده است و پیش بینی میشود که عربستان نیز بزودی اقدام به شناسائی اتحادیه امارات کند .»

ادامه دارد